



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/مواقیت الصلاة

بجثمان در مواقیت صلاة بود، صاحب عروه اوقات صلوات خمسة یومیه را یک به یک بیان کردند، ایشان در مورد وقت نماز ظهر و عصر اینطور فرمودند: "وقت الظهرین ما بین الزوال والمغرب"، آیت الله خوئی در حاشیه عروه اینطور فرمود: "الأحوط إن لم یکن أقوى عدم جواز تأخیر الظهرین عن سقوط القرص" و علتش هم این است که مشهور و من جمله صاحب عروه قائلند وقت مغرب آن وقتی است که حمرة مشرقیه کاملاً زائل بشود لذا تا قبل از ذهاب حمرة مشرقیه وقت نماز ظهر و عصر باقی است ولی آقای خوئی می فرماید مغرب موقع سقوط قرص است یعنی از وقتی آفتاب غروب کرد وقت نماز مغرب داخل و وقت نماز ظهر و عصر تمام شده.

عرض کردیم اخباری که در اینجا داریم چهار طائفه می باشند؛ دسته اول اخباری هستند که می گویند "إذا زالت الشمس دخل الوقتان أى وقت الظهر والعصر و إذا غرب دخل الوقتان أى المغرب والعشاء" بر خلاف عامه که قائلند نمازها متباین الاوقات هستند.

خبر ۱ و ۴ از باب ۴ را صدوق از زراره نقل کرده و طریق صدوق به زراره صحیح است و قبلاً گفتیم که در آخر جلد دوم جامع الرواة طریق صدوق ذکر شده پس این دو خبر سنداً صحیح هستند.

خبر ۱۰ از این باب ۴ نیز سنداً صحیح است.

خبر ۶ از این باب ۴ را شیخ صدوق از سعد نقل کرده، سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی احادیث زیادی از عامه نقل کرده و برای نقل احادیث عامه سفرهای بسیاری کرده، خلاصه مرد بسیار بزرگی است و بقیه افراد نیز موثق هستند و خبر سنداً صحیح است.

طائفه دوم دقیقاً مانند طائفه اول هستند فقط عبارت "إلا هذه قبل هذه" را اضافه تر دارند یعنی وقتی ظهر شد وقت ظهر و عصر مشترکاً داخل شده منتهی ظهر باید قبل از عصر خوانده شود و شیخ بهائی در مفتاح الفلاح فرموده ۱۰ خبر با همین عبارت داریم، خبر ۲۰ و ۲۱ از باب ۴ که صحیح السند هستند بر این مطلب دلالت دارند.

طائفه سوم اخباری هستند که می گویند با تحقق زوال وقت مشترک بین ظهر و عصر داخل می شود "حتی تغیب الشمس".

دسته چهارم اخباری هستند که می گویند با تحقق زوال وقت هر دو داخل شده ولی اول وقت فقط مخصوص ظهر است و آخر وقت فقط مخصوص عصر است، اخبار ۷ و ۱۷ و ۱۸ از باب ۴ از ابواب مواقیت بر این مطلب دلالت دارند.

خب و اما این اخباری که دسته بندی کردیم و مشهور نیز طبق آن فتوا داده اند معارض هم دارند که این اخبار معارض در باب ۸ از ابواب مواقیت ذکر شده، چند خبر می خوانیم تا مطلب روشن شود:

خبر اول: ﴿محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن الفضیل بن یسار و زرارة بن أعین و یکیر بن أعین و محمد بن مسلم و برید بن معاویة العجلی، عن أبی جعفر و أبی عبد الله علیهما السلام أنهما قالوا: وقت

صلى الله عليه وآله في الحر في صلاة الظهر فيقول له رسول الله صلى الله عليه وآله: أبرد أبرد.

قال الصدوق: يعني عجل عجل، وأخذ ذلك من البريد (التبريد).^۱

اسناد صدوق به معاوية بن وهب صحيح است.

أبرد یعنی قدری صبر کنید تا هوا خنک شود ولی شیخ صدوق رحمة الله عليه أبرد را از برید گرفته یعنی عجله کنید و زودتر نماز را بخوانید.

در این باب ۸ یک خبر نیز داریم که علامات دخول وقت را می شمارد که یکی از آنها خواندن خروس می باشد یعنی وقتی خروس خواند فجر طالع می شود، خب این مطلب باید بعدا روشن شود چراکه نقاط با هم فرق دارند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

الظهر بعد الزوال قدمان، ووقت العصر بعد ذلك قدمان.^۱

صدوق این خبر را از چند نفر نقل کرده و وقتی چند نفر با هم مطلبی را از امام معصوم پیرسند معلوم می شود که موضوع مهمی بوده و بین ما و عامه گفتگو و اختلاف نظر وجود داشته.

خبیر دلالت دارد بر اینکه "وقت الظهر بعد الزوال قدمان، و وقت العصر بعد ذلك قدمان" و گفتیم که وقتی شاخص را به هفت قسمت تقسیم کنیم به هر قسمت یک قدم می گوئیم، خب این اخبار با روایات دیگر تعارض و منافات دارند لذا باید بین آنها جمع کنیم.

خبیر دوم: **وإسناده عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن وقت الظهر فقال: ذراع من زوال الشمس، ووقت العصر ذراعان عليه السلام من وقت الظهر فذاك أربعة أقدام من زوال الشمس، ثم قال: إن حائط مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله كان قائمة وكان إذا مضى منه ذراع صلى الظهر، وإذا مضى منه ذراعان صلى العصر، ثم قال: أتدري لم جعل الذراع والذراعان؟ قلت: لم جعل ذلك؟ قال: لمكان النافلة، لك أن تتنفل من زوال الشمس إلى أن يمضي ذراع، فإذا بلغ فيئك ذراعاً من الزوال بدأت بالفريضة وتركت النافلة، وإذا بلغ فيئك ذراعين بدأت بالفريضة وتركت النافلة.**^۲

خبیر سوم: **وإسناده عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: كان المؤذن يأتي النبي**

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۰۳، ابواب مواقیف، باب ۸، حدیث ۱ و ۲، ط الاسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۰۳، ابواب مواقیف، باب ۸، حدیث ۳ و ۴، ط الاسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۰۳، ابواب مواقیف، باب ۸، حدیث ۵، ط الاسلامیة.